



COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

***Soft Power Policy-Making of the Islamic Republic
of Iran Based on the Capacities of the Persian
Language in the Iranian Cultural Sphere***

Houshang Naderi Khakriz*

E-mail: ndr.naderi3703@gmail.com

Mojtaba Maghsoodi **

E-mail: maghsoodi42@yahoo.com

Nesa Zahedi ***

E-mail: N_zahedi@ut.ac.ir

Received: 2024/12/21

Revised: 2025/02/09

Accepted: 2025/06/30

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.495161.1653

Abstract

In contemporary policymaking, the theory of soft power is one of the most widely applied and significant theories. Accordingly, this article aims to analyze the nature of soft power policymaking in the Islamic Republic of Iran, emphasizing the necessity of this approach. Among the various factors influencing soft power policymaking, the capacities of the Persian language are identified as crucial for this study. Utilizing a documentary and library-based methodology with a descriptive-analytical approach, the article examines the role of the Persian language in the restoration and regeneration of a shared regional identity, fostering convergence, cohesion, and regional unity. The central research question is: "How can Iran's soft power policymaking, based on the capacities of the Persian language in the Iranian cultural sphere, be effective and efficient"? The study hypothesizes that an efficient and effective soft power policy of the Islamic Republic of Iran, founded on the Persian language and its capacities—including knowledge, ethics, culture, religious philosophy, and individual and social lifestyle—can lead to the formation of Iran's regional soft power.

Keywords: Policymaking, Soft Power, Persian Language Capacities, Iranian Cultural Sphere.

* Ph.D. Student in Political Science, Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Professor of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

*** Assistant Professor of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

زبان فارسی به‌مثابه قدرت نرم سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه ایران فرهنگی

نوع مقاله: پژوهشی

* موشنگ نادری خاکریز

** مجتبی مقصودی

*** نسا زاهدی

E-mail: ndr.naderi3703@gmail.com

E-mail: maghsoodi42@yahoo.com

E-mail: N_zahedi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹

چکیده

در حال حاضر در عرصه سیاست‌گذاری، نظریه قدرت نرم یکی از نظریات پرکاربرد و بااهمیت است. بر همین اساس، این مقاله درصدد است تا با تکیه بر نظریه قدرت نرم و ضرورت توجه به آن، ماهیت سیاست‌گذاری قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار دهد؛ از این‌رو، از بین عناصر تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری قدرت نرم، ظرفیت‌های زبان فارسی را برای این پژوهش مهم تشخیص داده و با بهره‌گیری از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، با رویکرد توصیفی تحلیلی، نقش ظرفیت‌های زبان فارسی در بازیابی و بازآفرینی هویت مشترک منطقه‌ای و ایجاد همگرایی، انسجام و وحدت منطقه‌ای را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «چگونه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران بر پایه ظرفیت‌های زبان فارسی در حوزه ایران فرهنگی، کارآمد و مؤثر خواهد بود؟». در نتیجه فرضیه تحقیق این‌گونه است که سیاست‌گذاری کارآمد و مؤثر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر پایه زبان فارسی در حوزه ایران فرهنگی که دارای ظرفیت‌هایی مانند معرفت، اخلاق، فرهنگ، فلسفه دینی، سبک زندگی فردی و اجتماعی است می‌تواند به ایجاد قدرت نرم منطقه‌ای ایران بینجامد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، قدرت نرم، ظرفیت‌های زبان فارسی، حوزه ایران فرهنگی.

* دانشجوی دکترای علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استاد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*** استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

جمهوری اسلامی نظامی برآمده از انقلاب اسلامی است که ماهیتی فرهنگی دارد. پیشینه تاریخی - تمدنی ایرانیان مبتنی بر اصالت فرهنگی است. در موازات این امور، در برهه‌ای از تاریخ قرار گرفته‌ایم که غرب با رهبری امریکا به دنبال تبدیل فرهنگ‌های دیگر و یکپارچه‌سازی فرهنگی و پروژه جهانی‌سازی است. در این حالت، بین حذف هویت یا حفظ هویت مجبور به انتخاب یکی هستیم. اگر داعیه حفظ هویت ایرانی - اسلامی خود را داریم و بنا است مقابل هژمون فرهنگی غرب بایستیم، می‌باید به حوزه‌ای گسترده‌تر از جغرافیای ایران فعلی توجه کنیم.

حوزه ایران فرهنگی به لحاظ جغرافیایی، جمعیتی و دیگر عناصر تأثیرگذار، محیطی گسترده‌تر با فرصت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی چون دین، مذهب، فرهنگ، تاریخ و تمدن، سیاست‌گذاری قدرت نرم را میسرتر می‌کند، ولی باوجود پاره‌ای تلاش‌ها که بیشتر آن نیز به تعلق خاطر جریان‌ها و جوامع حاضر در حوزه ایران فرهنگی به هویت ایرانی و نظام فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی برمی‌گردد و نه به سیاست‌گذاری مؤثر که نظامی یکپارچه را برای تحقق اهداف موردنظر تولید نماید، کمبودهای اساسی در سیاست‌گذاری قدرت نرم مشهود است.

باوجودی که زبان فارسی توانایی دارد محور سیاست‌گذاری قدرت نرم باشد و آن را انسجام بخشد؛ اما از این مؤلفه در قدرت نرم، استفاده بهینه نمی‌شود؛ ازاین‌رو، این مقاله تأکید دارد که سلطه فرهنگی غرب امری واقعی است؛ واقعیتی که هویت و اصالت تاریخی - تمدنی ما را هدف گرفته و حفظ هویت با همراهی ملل منطقه، مناسب‌تر است. پس ضرورت دارد برای حفظ هویت مشترک منطقه‌ای، سیاست‌گذاری یکپارچه و منسجم صورت گرفته و برای مقابله، برنامه‌ای یکپارچه با هدف‌گذاری مشخص تنظیم نمود؛ ازاین‌رو، در این مقاله منابع قدرت نرم توضیح داده می‌شود و سپس به چالش‌های ایران در ارتباط با سلطه فرهنگی غرب و رقبای ایران اشاره و سیاست‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی بر پایه ظرفیت‌های زبان فارسی در حوزه ایران فرهنگی بیان می‌گردد و برای اینکه مشخص شود تنها ما نیستیم که ادعا می‌کنیم زبان ملی تواند محور سیاست‌گذاری قدرت نرم باشد، به اقدامات دیگر کشورها اشاره خواهیم داشت.

ادبیات پژوهش

در ادبیات پژوهش دوازده مقاله را مورد بررسی قرار داده‌ایم. از مجموع این مقالات

شش مقاله به زبان انگلیسی و شش مقاله دیگر به زبان فارسی است. در ابتدا مقاله‌های انگلیسی و سپس مقالات فارسی را به ترتیب بررسی می‌کنیم.

- نور عبدالله اجرش و عالیا خایون (۲۰۲۳) در مقاله «ستون‌های قدرت نرم»، به معرفی و شناسایی ارکان و مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم می‌پردازند و به نقش فرهنگ، سیاست‌های خارجی و ارزش‌های اجتماعی اشاره می‌کنند. این دو نویسنده قدرت نرم را به عنوان ابزاری برای افزایش جذابیت و مشروعیت بین‌المللی یک کشور معرفی می‌کنند. همچنین، بر نقش فرهنگ و ارزش‌ها در قدرت نرم تأکید دارند و آن را ابزاری برای کسب مشروعیت بین‌المللی معرفی می‌کنند.

- مارگارت سیمور (۲۰۲۰) در «مسئله قدرت نرم»، به نقد ماهیت قدرت نرم پرداخته و ضمن اشاره به چالش‌های این مفهوم، آن را به عنوان عنصری می‌داند که با محدودیت‌هایی همراه است. سیمور بر این باور است که قدرت نرم نمی‌تواند به تنهایی موفق باشد و برای اثربخشی باید در کنار قدرت سخت قرار گیرد و به محدودیت‌های قدرت نرم در سیاست بین‌الملل نیز اشاره می‌کند.

- دهارنا بهادر بانیا (۲۰۲۱) در مقاله «قدرت نرم در دنیای معاصر»، قدرت نرم را جایگزین قدرت سخت برای کشورهای کوچک معرفی می‌کند. او بر این باور است که کشورهای کوچک می‌توانند با بهره‌گیری از قدرت نرم و جذب فرهنگی، منافع ملی خود را بدون استفاده از زور تأمین کنند.

- جیانوتا ام، گالاروتی (۲۰۲۲) در «قدرت نرم: تأثیر و نفوذ در سیاست بین‌الملل»، قدرت نرم را ابزاری برای افزایش تأثیر و نفوذ بین‌المللی معرفی می‌کند و به تأثیرات مثبت آن بر دیپلماسی و تقویت روابط بین‌الملل اشاره می‌کند. وی بر این باور است که قدرت نرم می‌تواند برای مدیریت بهتر روابط بین‌المللی و تعامل سازنده با دیگر کشورها استفاده شود.

- دیوید دابلیو کورن جونپور (۲۰۱۱) در «حقایق سخت درباره قدرت نرم»، به ماهیت محدود و چالش‌های اساسی قدرت نرم پرداخته و تأکید می‌کند که قدرت نرم نمی‌تواند جایگزین کاملی برای قدرت سخت باشد. نویسنده به تبیین محدودیت‌های عملی قدرت نرم در سیاست‌های خارجی پرداخته و معتقد است وابستگی به قدرت نرم ممکن است کشورها را در مواجهه با تهدیدات امنیتی به خطر اندازد.

- ماریو دی مارتینو (۲۰۲۰) در «قدرت نرم: چهارچوب نظری و مبانی سیاسی»، به بررسی پایه‌های نظری قدرت نرم پرداخته و سعی دارد قدرت نرم را به عنوان رویکردی علمی در سیاست بین‌الملل تثبیت کند. او قدرت نرم را چهارچوبی گسترده برای تغییر رفتار کشورها می‌داند.



در ادامه مبحث ادبیات پژوهش تعداد شش مقاله فارسی که به بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در این مقاله‌ها محورهای کلیدی شامل مفهوم و عناصر قدرت نرم، تأثیرات سیاست‌گذاری فرهنگی و نقش آن در دیپلماسی عمومی ایران و همچنین، تأثیر فرهنگ بر هویت ملی مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، این مقالات را در محورهای اصلی بررسی می‌کنیم.

- ابراهیم خدایار (۱۳۹۷) در مقاله‌ی «موانع و راهکارهای گسترش خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک با ایران»، به بررسی موانع و ارائه‌ی راهکارهایی برای ترویج زبان و ادب فارسی در کشورهای دارای پیشینه‌ی فرهنگی مشترک با ایران پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش‌های توصیفی و میدانی، موانع و راهکارهای کلان و عملیاتی را در حوزه‌ی برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مرتبط با گسترش زبان و ادب فارسی ارائه می‌دهد.

- خلیل برزو، مسعود مطلبی و عبدالرضا بای (۱۳۹۹) در مقاله «فرهنگ و سیاست: بررسی تطبیقی تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی بر قدرت نرم ایران و ترکیه؛ مطالعه موردی صنایع فرهنگی» به تأثیر صنایع فرهنگی به‌عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم پرداخته و تأکید دارند سیاست‌گذاری فرهنگی نقش مهمی در گسترش نفوذ ایران و ترکیه ایفا کرده است. این مقاله توجه خاصی به صنایع فرهنگی داشته و از آن به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری در سطح منطقه‌ای یاد کرده است. با رویکرد تطبیقی و تمرکز بر صنایع فرهنگی، تصویری جامع از سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه می‌دهد که نقطه قوت مقاله است؛ اما نقطه ضعف آن را می‌توان در محدود بودن بررسی به صنایع فرهنگی و عدم تحلیل کافی درخصوص سایر مؤلفه‌های قدرت نرم دانست.

- ابراهیم حسن‌بیگی و اردشیر رئیسی دهکردی (۱۳۹۴) در مقاله «مقوم‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر الهام‌بخشی»، الهام‌بخشی را یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم در نظر گرفته‌اند و تأثیر آن بر کشورهای همسور را مورد بررسی قرار داده‌اند. نقطه قوت این مقاله در تأکید بر الهام‌بخشی به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی است؛ اما ممکن است ادعا شود تمرکز بیش‌ازحد بر الهام‌بخشی، سایر عناصر قدرت نرم را کمتر مورد توجه قرار داده است.

- سید محمدجواد قربی و منصور حیدری (۱۳۹۷) در مقاله «فرهنگ و قدرت نرم: مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، به اهمیت منابع فرهنگی در قانون اساسی ایران و نقش آن در تقویت هویت ملی اشاره کرده‌اند.



ایشان معتقدند قانون اساسی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی می‌تواند منبع قدرتمندی برای تقویت هویت و مشروعیت جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی باشد. این مطلب از نقاط قوت آن به‌شمار می‌ورد؛ اما نقطه‌ضعف آن عدم بررسی عملیاتی این مفاهیم در سیاست‌های فعلی است.

- سید محمدجواد قربی و منصور حیدری (۱۳۹۵) در مقاله «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ایرانیان»، تأکید خاصی بر ارزش‌های فرهنگی دارند و به تحلیل سند هویت ایرانی و تأثیر آن بر مؤلفه‌های قدرت نرم پرداخته‌اند. از دیدگاه آن‌ها، ارزش‌های فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در سیاست‌گذاری قدرت نرم ایفا کند. نقطه قوت مقاله توجه به سند مؤلفه‌های هویت ایرانی و تحلیل جامع ارزش‌های فرهنگی است؛ اما نقطه‌ضعف آن عدم پرداختن به چالش‌های موجود در سیاست‌گذاری بر مبنای این ارزش‌ها است.

- رمضان شعبانی سارویی (۱۳۹۲) در مقاله «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» بر تأثیر مستقیم قدرت نرم بر هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تمرکز دارد و نقش این مؤلفه‌ها در تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی را برجسته می‌کند. نقطه قوت مقاله ایشان پرداختن به رابطه میان قدرت نرم و هویت فرهنگی و نقش آن در انسجام ملی است؛ اما نقطه‌ضعف آن ضعف بررسی عملی و مقایسه‌ای با سایر کشورهای همسایه است.

مبانی نظری

مبنای نظری این مقاله بر مبنای دیدگاه اندیشمندان مطرح نظریه قدرت نرم مانند جوزف نای و دیگرانی چون گالاروتی، دیوید کرن، ماریو دی مارتینو، مارگارت سیمور استوار گردیده است که برای تبیین مبنای نظری مقاله، به برخی از دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۱- معرفی قدرت نرم

اگرچه قدرت سخت هنوز هم جایگاه خود را دارد؛ اما نباید ارزش‌های قدرت نرم از طریق نفوذ، جذابیت و شکل‌دهی به ادراکات نادیده گرفته شود (اجرش و خایون، ۲۰۲۳: ۲۰۶). قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جذابیت فرهنگی، ارزش‌های اخلاقی و سیاست‌های جذاب، بدون استفاده از زور را مورد تأکید قرار می‌دهد (بانی، ۲۰۲۱: ۵۴). جوزف نای نوعی از قدرت را تعریف می‌کند که به‌جای اجبار و تهدید، بر جذب و اقناع تمرکز دارد. در قدرت نرم، کشورها از منابعی مانند فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های جذاب برای تأثیرگذاری بر دیگران استفاده می‌کنند (باتلر، ۲۰۱۵: ۱). برای بازتعریف قدرت نرم باید بدانیم



که این مفهوم چیست، چگونه عمل می‌کند و احتمالاً تحت چه شرایطی تأثیرگذار خواهد بود. این فرایند باید با تحلیل دقیق‌تری از مفاهیم نظری قدرت نرم انجام شود تا بتوان کاربردهای آن را در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های جهانی به‌درستی ارزیابی کرد (کرن، ۲۰۱۱: ۶۵). قدرت نظامی سنتی، دیگر تنها عاملی نیست که قدرت یک کشور را تعیین می‌کند. نوآوری، اقتصاد، فناوری، دانش، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سایر عوامل به منابع قدرت نرم تبدیل شده‌اند که کشورها برای دستیابی به منافع و اهداف ملی به آن‌ها تکیه می‌کنند (اجرش و خایون، ۲۰۲۳: ۲۰۶). نکته اصلی این است که قدرت نرم بر اهداف، ارزش‌ها و استراتژی‌های دیگر بازیگران تأثیر می‌گذارد، بدون آنکه تهدیدات یا پاداش‌های خارجی لازم باشد (کرن، ۲۰۱۱: ۶۵). رویکرد هژمونیک ایدئولوژی بر مبنای سیاست‌گذاری‌های نرم استوار شده است. منظور این نیست که سلطه از دستور کار سیاست‌گذاران عرصه جهانی کنار گذاشته شده باشد، بلکه از این منظر است که قدرت نرم مبتنی بر اقناع است. روابط بین‌المللی به سمت نرم شدن پیش می‌رود و کشورها به‌جای اعمال فشار قدرت سخت، از اقناع قدرت نرم بهره می‌برند (سیمور، ۲۰۲۰: ۱). قدرت نرم از سه منبع کلیدی سرچشمه می‌گیرد:

- فرهنگ: فرهنگ یک کشور می‌تواند به‌عنوان منبع قدرت نرم عمل کند.
- ارزش‌های سیاسی: زمانی که ارزش‌های سیاسی یک کشور برای دیگران جذاب و مطلوب باشد، این ارزش‌ها می‌توانند به افزایش نفوذ آن کشور کمک کنند.
- سیاست خارجی: سیاست خارجی یک کشور زمانی که مبتنی بر اصول همکاری و تعامل باشد، می‌تواند قدرت نرم را تقویت کند (نای و میرترابی، ۱۳۸۷: ۵۱).

۲- ویژگی‌ها و شاخص‌های قدرت نرم

در ادامه برخی از ویژگی‌ها و شاخص‌های قدرت نرم را برمی‌شماریم. کشورها می‌توانند از طریق فرهنگ، سیاست داخلی جذاب و سیاست خارجی مشروع به اهداف خود برسند (باینا، ۲۰۲۱: ۵۴). قدرت نرم بر اصل همکاری و ایجاد تعامل میان کشورها و نهادها استوار است. در دنیای امروز، قدرت‌های بزرگ به‌جای رقابت استراتژیکی با یکدیگر، خود را در یک طرف میدان و مشابه هم می‌بینند. خشونت و آشوب تروریستی، خطر مشترکی است که همه آن‌ها را تهدید می‌کند و آن‌ها را از این جهت با هم متحد کرده است. (نای، روحانی و ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۶). در قدرت نرم مردم بیش از آنکه مجبور به انجام کاری شوند، به همکاری گرفته می‌شوند (گالاروتی، ۲۰۲۲: ۳۸۳). گذشته از این‌ها، قدرت نرم، بسیج دیگران به همکاری بدون استفاده از تهدید یا تطمیع است (نای، روحانی و ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۲۵). قدرت نرم مبتنی بر قدرت



فرهنگی است که می‌تواند در سطح جهانی یا منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. فرهنگ ملی، هنر، زبان، سینما، موسیقی و ادبیات، ابزارهایی برای گسترش قدرت نرم هستند (اجرش و خایون، ۲۰۲۳: ۲۰۶). قدرت نرم تأثیر طولانی‌مدت و پایدار ایجاد می‌کند. شبکه‌ای از ارتباطات و تعاملات بین‌المللی به‌مرورزمان موجب ارتقای نفوذ و موقعیت جهانی این کشورها می‌شود (کرن، ۲۰۱۱: ۶۵). قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت، هزینه کمتری دارد و درعین حال، می‌تواند به موفقیت‌های بیشتری منجر شود. ابزارهای قدرت نرم با هزینه کمتر، اما اثرگذاری عمیق‌تری عمل می‌کنند (نای، روحانی و ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۲۴ و ۱۲۹). کشورهایی که دارای تمدن غنی و فرهنگ پویایی هستند، توانایی بیشتری در تأثیرگذاری نرم دارند (باینا، ۲۰۲۱: ۵۴). کشورهایی که دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و برابری اجتماعی را ارتقا می‌دهند، توانایی بیشتری برای جذب سایر کشورها و ملت‌ها دارند (اجرش و خایون، ۲۰۲۳: ۲۰۶).

دیپلماسی عمومی یکی از شاخص‌های حیاتی قدرت نرم است و به تعاملات بین‌المللی، تبادل فرهنگی، علمی و آموزشی، مشارکت در نهادهای جهانی و منطقه‌ای و همچنین، تصویر مثبت کشور در رسانه‌ها مرتبط است (سیمور، ۲۰۲۰: ۱). اقتصاد قوی و برند ملی از شاخص‌های قدرت نرم شناخته می‌شود. کشورهایی که دارای اقتصاد قوی و پایدار هستند، می‌توانند جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران و مهاجران داشته باشند (سعدالله یوا و حکمت اف، ۲۰۲۴: ۳۰۵). همکاری‌های چندجانبه نیز از شاخص‌های قدرت نرم است. کشورهایی که در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نقش فعال دارند و در جهت حل مسائل جهانی همکاری می‌کنند، از اعتبار بیشتری برخوردارند (مارتینو، ۲۰۲۰: ۱). نظام آموزش قوی و پیشرفت‌های علمی از دیگر شاخص‌های مهم قدرت نرم است. کشورهایی که دارای دانشگاه‌های معتبر جهانی و توانایی در تولید علم و فناوری هستند، به‌عنوان کانون‌های جاذبه جهانی در نظر گرفته می‌شوند. از طرفی، رسانه‌های بین‌المللی نقش بسزایی در گسترش قدرت نرم دارند (کرن، ۲۰۱۱: ۶۵). ارتباطات دیجیتال و توانایی کشورها در استفاده از فناوری‌های نوین نیز از شاخص‌های قدرت نرم است. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های اطلاعاتی ابزارهای کلیدی در گسترش ایده‌ها و ارزش‌ها هستند و می‌توانند به ایجاد قدرت نرم کمک کنند (سیمور، ۲۰۲۰: ۱).

اقدامات برخی کشورها در تولید قدرت نرم بر پایه زبان ملی

یکی از مباحث قدرت نرم، داشتن حوزه نفوذ است. کشوری مانند فرانسه در قرون وسطی اولین جامعه‌ای بود که در اروپای غربی، موفق به تأسیس امپراتوری مقدس



توسط شارلمانی گردید (آرنت، ۱۴۰۱: ۵۱) و در رنسانس به‌وسیله نزدیکی با کشورهای لاتین مانند پرتغال و اسپانیا توانست نخبگان ادبی فکری امپراتوری روم شرقی که وارثان تمدن لاتین بودند را به خود جذب نماید (غفاری فرد، ۱۳۸۷: ۱۶۸) و به دلیل همین نزدیکی، اولین بارقه‌های جدی رنسانس در فرانسه پدیدار شد و وراثت تمدنی فرانسه انقلاب کبیر را پایه‌گذاری نمود و براساس این پشتوانه‌ها، نهضت فرهنگی خود را بر پایه تسری و ترویج زبان بنیان نهاد (اصفهانیان، ۱۳۹۳: ۶۸).

چین با پایه‌گذاری مؤسسه‌های کنفوسیوس در سراسر جهان، در پی گسترش زبان چینی و ترویج فرهنگ است. زبان چینی به‌عنوان پلی برای درک فرهنگ و تمدن و انتقال ارزش‌های چینی به‌کار گرفته می‌شود. برنامه‌های آموزشی زبان چینی، به‌ویژه در دانشگاه‌ها و مدارس، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که زبان را به‌عنوان وسیله‌ای برای درک عمیق‌تر فرهنگ معرفی می‌کنند (سایاما، ۲۰۱۶: ۶).

روسیه نیز با تأکید بر زبان روسی و آموزه‌های ارتدکس در تلاش است حوزه نفوذ ایجاد کند. روسیه از زبان روسی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای ترویج ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی، اخلاقی و فلسفی استفاده می‌کند. در مجموع، رویکرد روسیه نشان می‌دهد ترویج زبان روسی و ارزش‌های ارتدکسی بخش‌های کلیدی راهبرد فرهنگی برای مقابله با هژمونی فرهنگی غرب هستند.

چالش‌های فرهنگی هویتی، پروژه جهانی‌سازی فرهنگی

در عصر حاضر، کشورها بیش از گذشته به‌منظور تضمین بقا و امنیت، به دنبال کسب قدرت و حداکثرسازی آن هستند. در راهبرد نوین دیپلماسی، دولت‌ها توان دیپلماتیک خود را به‌جای اعمال سیاست فشار و تطمیع در کنترل تصمیمات رقیب، به سمت تأثیرگذاری غیرمستقیم بر افکار مردمان آنان برده‌اند تا از طریق تصویرسازی مطلوب اهداف خود در ذهن آنان، سیاست‌های خود را بر دولتمردانشان دیکته کنند (نوروزی فیروز و جلیلی، ۱۴۰۰: ۱۴۰). افکار عمومی پا به میدان گذاشته و اجازه به‌کار گرفته شدن قدرت سخت بدون پرداختن هزینه‌های گزاف را از قدرت‌های مطرح جهانی گرفته است (چامسکی، ۱۳۸۷: ۱۲).

دلایل بسیاری باعث اهمیت زبان ملی در سیاست‌گذاری قدرت نرم شده است. نخست اینکه غرب با محوریت امریکا تلاش گسترده‌ای برای تحمیل فرهنگ بر پایه زبان انگلیسی را دنبال می‌کند و راه مقابله آن تقویت زبان ملی است. دوم اینکه مؤلفه‌های



فرهنگی تبدیل به مفاهیم کاربردی شده و در متون ادبی - علمی غرب نمود دارند. ایران، به لحاظ پیشینه تمدنی، رقیب دیرینه غرب است؛ ضمن اینکه بخش عمده هویت تمدن اسلامی نیز مرهون خدمات ایرانیان است. به این عناصر می‌توان عامل انقلاب اسلامی را هم افزود؛ انقلابی که ماهیتی فرهنگی داشته و موجب جنبش‌هایی در منطقه علیه سلطه غرب شده است. با این پیشینه تضاد و تزاخم بین دو جهان‌بینی و دو نظام ارزشی امری مسلم است (باتلر، ۲۰۱۵: ۱).

تردیدی نیست که هیچ فرهنگ و تمدنی نمی‌تواند به دور از کنش و واکنشی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر تداوم پیدا کند و هر فرهنگ و تمدنی در دوره‌هایی، به‌ویژه در دوره‌هایی که فرسایش و فرسودگی بر آن چیره می‌شود، می‌تواند در چالش با دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تولدی دوباره بیابد؛ اما رویارویی با چالش بیگانه، بدون توان پاسخ به آن چالش، سرانجامی جز زوال و انحطاط نمی‌توانسته داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۱۰).

بعضی شواهد نشان می‌دهد سیاست‌گذاری قدرت نرم امریکایی به‌منظور تحت‌تأثیر قراردادن هرچه بیشتر کشورهای اسلامی طراحی شده است؛ ابتکار «ارزش‌های مشترک (sv1)» یک کمپین قدرت نرم بود که در اواخر سال ۲۰۰۲ با هدف افزایش تمایلات طرفدار امریکا در جهان اسلام اجرا شد. هدف این کمپین نشان دادن این بود که اسلام و فرهنگ امریکایی در تعارض نیستند، بلکه از هم پشتیبانی می‌کنند. این کمپین به رهبری شارلوت بیرز، مدیر تبلیغاتی معروف طراحی شد تا تصویر مثبتی از ایالات متحده به جهان اسلام ارائه دهد. باوجود حمایت کالین پاول، وزیر وقت امور خارجه امریکا، کمپین نتوانست حمایت لازم را در میان دیپلمات‌ها جلب کند و به دلیل پیچیدگی‌ها و مقاومت‌هایی در وزارت خارجه، متوقف شد (سیمور، ۲۰۲۰: ۱).

سیاست‌گذاری قدرت نرم بر پایه زبان فارسی

در متون مربوط به سیاست‌گذاری عمومی ملاحظات را درخصوص نحوه سیاست‌گذاری‌های کارآمد و اثربخش می‌یابیم (قلی‌پور و فقیهی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). زبان فارسی نیز توانایی دارد تا این ملاحظات و ویژگی‌ها را بالنده سازد. ازجمله اینکه سیاست‌گذاری قدرت نرم به‌گونه‌ای باشد تا فرصت جذب دیگران بدون ایجاد حساسیت و مقاومت را فراهم نماید. همکاری و تعامل دو شاخصه دیگر از ملاحظات قدرت نرم است؛ زیرا موفقیت سیاست‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی منوط به همکاری و تعامل ملل



منطقه است. برای همین به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نمودن منابع موجود منطقه، بدون ترغیب دیگران به همکاری میسر نیست. موفقیت این سیاست‌گذاری‌ها در گرو تعامل جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی منطقه است؛ پس باید در سیاست‌گذاری‌ها شناسایی، بازآفرینی و تقویت ارزش‌های مشترک را لحاظ نمود. سیاست‌گذاری قدرت نرم از نوع سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و پایدار است؛ در نتیجه باید انتظارات تصمیم‌گیران را با نوع بازدهی سرمایه‌گذاری در قدرت نرم آشنا ساخت. اگرچه سیاست‌گذاری حوزه قدرت نرم به نسبت، کم‌هزینه‌تر است، ولی بازدهی آن به فرصت بیشتر نیاز دارد؛ اما اثرات آن طولانی‌تر و پایداری آن بیشتر است. نوع اقدامی که مبتنی بر جذب، ترغیب، همکاری و تعامل، هم‌زمان با پرهیز از اجبار و تطمیع باشد، زمینه اعتبار و مشروعیت و احترام را فراهم می‌سازد. اعتبار و مشروعیت در جامعه بین‌المللی کلید موفقیت قدرت نرم است (وحید، ۱۴۰۰: ۱۷).

عاملی که در حوزه ایران فرهنگی بتواند بدون ایجاد حساسیت و تولید مقاومت منفی، جذب حداکثری را در بین نخبگان سیاسی - اجتماعی ملل منطقه فراهم نماید و زمینه تعامل و همکاری در بازتولید هویت مشترک با افق بلندمدت و پایدار به‌وجود آورد که همراه با مشروعیت، اعتبار و احترام متقابل باشد و نیز هزینه‌های این تصمیم، خود تبدیل به نوعی از سرمایه‌گذاری با بازدهی طولانی‌مدت در نظر آید، زبان فارسی است. زبان فارسی تکیه بر تمدنی ۲۵۰۰ ساله دارد و چهارده قرن همکاری سازنده در تمدن اسلامی و نحله‌های فکری، فلسفی، علمی و سیاسی را در کارنامه دارد و باوجود استقلال زبانی، درهم‌آمیختگی معناداری با زبان عربی دارد؛ تاآنجا که زبان فارسی دومین زبان دنیای اسلام به‌شمار می‌رود و هیچ زبانی از نظر تولید محتوا و تحفظ عناصر هویتی مشترک و برساختگی‌های ساختاری - تمدنی به پایه زبان فارسی نمی‌رسد.

۱- گستره جغرافیایی و تاریخی

کشورهای متعددی از جمله افغانستان، تاجیکستان و برخی کشورهای آسیای مرکزی سرزمین‌هایی هستند که فارسی در آن‌ها به‌عنوان زبان ارتباطات فرهنگی و تمدنی است. این امر، زبان فارسی را به یک عنصر مشترک فرهنگی منطقه تبدیل کرده است.

۲- ساختار زبانی و سهولت یادگیری

زبان فارسی به لحاظ ساختاری و واژگانی، به‌گونه‌ای است که یادگیری آن برای افراد با زبان‌های هندوایرانی و حتی زبان‌های عربی و ترکی آسان‌تر است. این ویژگی به زبان فارسی اجازه می‌دهد که در کشورهای همسایه نفوذ بیشتری پیدا کند.



۳- پیوندهای فرهنگی و تاریخی

زبان فارسی در ایران فرهنگی ریشه‌های عمیقی دارد و یکی از ارکان فرهنگ اسلامی و تمدن ایرانی است. زبان فارسی به عنوان زبان مشترک در دوره‌های مختلف تاریخی برای پیوند دادن فرهنگ‌ها و اقوام مختلف منطقه عمل کرده و میراث غنی ادبی و فرهنگی آن، جاذبه‌ای ویژه برای دیگر کشورها فراهم می‌کند.

۴- قدرت نرم و پذیرش فرهنگی

زبان فارسی به واسطه ادبیات غنی، آثار عرفانی و تاریخ طولانی، یک ابزار قدرت نرم ایران است. آثار ادبی و عرفانی مانند مثنوی مولوی، دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند و می‌توانند در جذب علاقه‌مندان و ایجاد همبستگی فرهنگی منطقه‌ای مؤثر باشند.

جدول شماره ۱. سیاست‌گذاری قدرت نرم بر پایه ویژگی‌های زبان فارسی

ویژگی‌های قدرت نرم	نوع سیاست‌گذاری	روش‌های اجرا
جذابیت	ترویج فرهنگ و هنر فارسی	حمایت از سینما، موسیقی، ادبیات و هنرهای تجسمی در سطح بین‌المللی
		برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی در کشورهای همسایه و بین‌الملل
مشروعیت	برنامه‌های آموزشی معتبر	همکاری با نهادهای آموزشی بین‌المللی برای طراحی دوره‌های زبان فارسی
		اعطای گواهینامه‌های معتبر به فراگیران زبان فارسی
اعتبار	ترویج تحقیق و پژوهش	حمایت از پژوهش‌های علمی به زبان فارسی
		ایجاد مجلات و نشریات معتبر علمی به زبان فارسی
		تشویق دانشگاه‌ها به ارائه دوره‌های پژوهشی به زبان فارسی
همکاری و تعامل	تقویت شبکه‌های همکاری فرهنگی و زبانی	ایجاد مراکز فرهنگی مشترک با کشورهای همسایه
		توسعه تبادل دانشجو و استاد با تأکید بر زبان فارسی
		همکاری با سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی برای پروژه‌های مشترک
تکیه بر ارزش‌های مشترک	ترویج ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی مشترک	طراحی برنامه‌های فرهنگی که ارزش‌های مشترک منطقه‌ای را منعکس کنند
		برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای فرهنگی با محوریت ارزش‌های مشترک



پرهیز از حساسیت‌افزایی	استفاده از زبان فارسی به‌عنوان پل ارتباطی غیرمستقیم	ارائه زبان فارسی به‌عنوان ابزار ارتباطی برای مباحث فرهنگی و آموزشی بدون تمرکز سیاسی
جلوگیری از مقاومت در برابر تغییر	برنامه‌های تدریجی و مشارکتی	توسعه برنامه‌های آموزشی زبان فارسی به‌صورت تدریجی و با مشارکت جامعه هدف
پخش غیرمستقیم اثر	استفاده از دیپلماسی فرهنگی	ارائه مشوق‌ها و انگیزه‌ها برای یادگیری زبان فارسی
		ارسال نمایندگان فرهنگی به نشست‌های بین‌المللی
		حمایت از برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی به زبان فارسی برای مخاطب بیرونی
		استفاده از رسانه‌های دیجیتال برای گسترش زبان فارسی

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری قدرت نرم ایران

۱- رویکرد انتقادی به عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های زبان فارسی در تولید قدرت نرم و بازتولید هویت مشترک منطقه‌ای

قدرت نرم یعنی تبدیل مزیت به فرصت؛ انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب نرم‌افزارانه است. هر انقلابی به دنبال کسب اعتماد و جذب دیگران است، ولی در جهان سیاست صدور انقلاب را تداعی می‌کند. صدور انقلاب و جلب افکار عمومی منطقه و جهان، برای رقبا، قابل هضم نیست؛ ازاین‌رو، جنگ‌های طولانی‌مدتی در منطقه غرب آسیا افروخته شد تا مانع انقلاب شوند.

پایه‌گذاری تمدن نوین ایرانی - اسلامی یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی است. تمدن‌ها با نهضت نرم‌افزارانه محقق می‌گردند. بارها ازسوی مسئولان عالی‌مرتب نظام مطرح شده است که ما در مرحله گذار از پیچ حساس تاریخی به سمت تمدن نوین ایرانی - اسلامی هستیم. وقتی آرمان نظام تمدن‌سازی است و ساخت تمدن با محوریت گفتمان نرم محقق می‌شود، باید مأموریت‌های اصلی در چشم‌اندازی طراحی شود که سیاست‌گذاری قدرت نرم اصل باشد. در صورتی‌که هنوز صورت‌بندی ائتلاف‌ها در غرب آسیا بر حول قدرت سخت بوده و همین سایه سنگین، اجازه عرض‌اندام به گفتمان نرم‌افزارانه انقلاب اسلامی را چنان‌که باید، نداده است. در نتیجه برای یکپارچه‌سازی ظرفیت‌های نرم‌افزاری و همراهی ملل منطقه، به یک چرخش گفتمانی از سیاست‌گذاری‌های سخت به سمت سیاست‌گذاری نرم نیاز داریم.



هر تمدنی مأموریت مفهوم‌سازی و تبدیل مفاهیم به علوم مختلف را به عهده زبان ملی خود می‌نهد. زبان‌ها در حوزه تمدنی این ظرفیت را دارند تا فضا را به سمت تلطیف و تعامل ببرند (متقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۵).

رویکرد انتقادی عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های تمدنی زبان فارسی در سیاست‌گذاری در چند محور قابل‌بیان است. این محورها تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی دقیق برای بهره‌گیری از ظرفیت زبان فارسی در تولید قدرت نرم، تقویت همگرایی منطقه‌ای و ترویج سیاست چندجانبه‌گرایی، لزوم درک درست از موقعیت و لطماتی که از سیاست‌گذاری‌های رقبا در زمینه تقویت قدرت خود صورت می‌گیرد و حوزه سستی تمدنی ایران را مورد هدف قرار داده‌اند را شامل می‌شود.

۲- عدم توجه لازم به نقش زبان فارسی در همگرایی فرهنگی و تقویت هویت منطقه‌ای
سیاست‌گذاران چنانچه باید، از ظرفیت زبان فارسی برای تقویت هویت منطقه‌ای و فرهنگی استفاده نکرده‌اند. زبان فارسی به‌عنوان پلی فرهنگی میان ایران و کشورهای منطقه عمل می‌کند و می‌تواند بستری برای تولید هویت مشترک منطقه‌ای باشد (متقی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۵). عدم سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از این نقش، موجب شده تا کشورهای همسایه به سمت فرهنگ‌های بیگانه به‌ویژه فرهنگ غربی گرایش پیدا کنند.

۳- عدم ایجاد زیرساخت‌های مناسب ترویج زبان فارسی
سیاست‌گذاران در ایجاد زیرساخت‌های مؤثر ترویج زبان فارسی، مانند تأسیس مراکز آموزش زبان فارسی در کشورهای منطقه، همکاری‌های بین‌المللی آموزشی و گسترش ارتباطات فرهنگی ضعف دارند. کشورهای رقیب با سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر در ایجاد مراکز زبانی و فرهنگی، نفوذ زبانی و فرهنگی خود را در منطقه افزایش داده‌اند؛ برای نمونه، فقط چین بیش از ۵۰۰ مؤسسه کنفوسیوس در سراسر جهان تأسیس کرده است (سایاما، ۲۰۱۶: ۶).

۴- عدم تدوین سیاست‌گذاری مناسب برای بهره‌برداری از ظرفیت زبان فارسی در تولید قدرت نرم

سیاست‌گذاری‌های پراکنده و فاقد هماهنگی، انسجام و یکپارچگی موجب شده است که از ظرفیت‌های زبان فارسی به‌عنوان ابزار قدرت نرم به‌صورت هدفمند استفاده نشود. بدون یک راهبرد جامع، این تلاش‌ها نمی‌توانند به تقویت جایگاه ایران در منطقه منجر شوند.

۵- عدم بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای ترویج زبان فارسی
در عصر دیجیتال، سیاست‌گذاران می‌توانند با استفاده از فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های آموزشی برخط، تولید محتواهای چندرسانه‌ای و ایجاد برنامه‌های کاربردی



زبان‌آموزی به ترویج زبان فارسی پردازند. این ابزارها می‌توانند به سرعت در بین مخاطبان جهانی نفوذ کنند؛ اما ایران تاکنون از این فناوری‌ها بهره کافی نبرده است.

۶- ضعف حمایت کافی از محققان، هنرمندان و نویسندگان فارسی‌زبان

سیاست‌گذاران در زمینه حمایت از آثار ادبی، علمی و هنری فارسی‌زبان، حمایت‌های کافی نداشته‌اند. تولید آثار ارزشمند می‌تواند به عنوان بستری برای افزایش جذابیت زبان فارسی و ایجاد زمینه‌های مشترک فرهنگی در منطقه عمل کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آن‌گونه که از نظریه قدرت نرم می‌توان دریافت، جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌های معنوی و اخلاقی و سیاست‌های همگرایی داخلی و خارجی می‌تواند در جذب و همراهی دیگران بدون ایجاد واگرایی، زمینه همکاری سازنده، تأثیرگذار، پایدار و بلندمدت را پدید آورد و موجب کاهش هزینه‌ها و ماندگاری منافع شود و از آنجاکه به سمت تقابل آشکار با بنیان‌های مشروعیت و اعتبار سایر نظام‌ها نمی‌رود، مقاومت منفی برابر سیاست‌های قدرت نرم نظام اسلامی را برنمی‌انگیزد. در نتیجه حسب قرائت جمهوری اسلامی از مفاهیم نظریه قدرت نرم، این فرصت فراهم است تا نظریه قدرت نرم را در راستای حفظ کرامت و رعایت احترام متقابل با دیگران به استخدام گرفت.

ایران توانسته است در طول تاریخ سیاسی اجتماعی خود، جامعه‌ای با فرهنگی اصیل، غنی و همراه با ارزش‌های متعالی بر محور معرفت، اخلاق و معنویت به وجود آورد؛ به‌ویژه اینکه موفق شده تا این عناصر ارزشی را در پیکره تمدنی ممتاز، در منطقه معرفی سازد. پس این زمینه فراهم است تا بر بال ظرفیت‌های زبان و ادب فارسی که گنجینه‌ای تمام‌عیار از دانش، معرفت، اخلاق و معنویت را در خود نهفته دارد، بتوان حول محور منابع، ویژگی‌ها و شاخص‌های قدرت نرم، سیاست‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی را جهت هم‌افزایی، همگرایی، وحدت و انسجام منطقه‌ای طراحی نمود و به صورت متمرکز و سازمان‌یافته با یک‌جانبه‌گرایی امریکایی و جهانی‌سازی فرهنگی موردنظر آن، مقابله نرم را صورت‌بندی نموده و به تعامل سازنده در منطقه امیدوار شد.

سیاست‌گذاری قدرت نرم حول محور ظرفیت‌های زبان فارسی می‌تواند به گسترش قدرت نرم ایران و ترویج این ظرفیت‌ها، به عنوان یک میراث مشترک منجر شود که در پی آن می‌توان زمینه لازم برای تقویت روابط فرهنگی - سیاسی - اجتماعی ایران و کشورهای حوزه ایران فرهنگی را فراهم ساخت و در نهایت، به تقویت جایگاه ایران در منطقه و جهان



امید داشت؛ زیرا قدرت نرم مؤلفه‌هایی مانند جذب دیگران به همکاری و تعامل، اشتیاق به پذیرش ارزش‌های فرهنگی، اعتبار و مشروع بودن سیاست‌های داخلی و خارجی دارد. از جانب دیگر، پایدارترین مبحث در سیاست‌گذاری قدرت نرم، تمرکز بر عناصر هویت‌ساز است؛ قدرت نرمی که به بازسازی ابعاد هویت یک ملت و منطقه منجر گردد، عناصر مشترک بین فرهنگی را شناسایی می‌کند تا هویت مشترکی را در سطح منطقه پایه‌ریزی نماید تا بتوان در نظام چندجانبه‌قدرت، شرایط را به نفع ملل منطقه فراهم ساخت.

زبان فارسی می‌تواند در حوزه ایران فرهنگی جذابیت لازم را جهت ایجاد همکاری فعال سازنده فراهم سازد، ارزش‌های مشترک فرهنگی را بازنمایی کند و بازآفریند.

در تاریخ فرهنگ و ادب فارسی چهره‌های درخشانی چون فردوسی، سعدی، مولانا، حافظ، عطار و خیام را داریم و گویی نیست که آوازه ایشان را نشنیده باشد و از خرمن ادب این مفاخر، به قدر ظرفیت، خوشه‌ای نچیده باشد؛ این خوشه‌چینی و غوطه‌وری در بحر معانی ادب فارسی است که از پس اعصار و قرون، در سپهر ادبی منطقه و بلکه جهان، ادب فارسی چونان ستاره‌ای می‌درخشد و این گوهرهای ادبی، ظرفیتی بی‌نظیر در عرصه قدرت نرم برای ایران فراهم می‌نماید تا بار دیگر با رجوع به این آثار و بازنمایی دریافت انسان ایرانی، از هستی و پدیده‌های آن و توجهی که به معرفت، اخلاق، ایمان و غیره دارد، جزء به جزء این باورهای هستی‌شناسانه و معرفت‌گرایانه را به کنش زیست فردی و اجتماعی خود بدل نموده و از آن راهنمای عمل پدید آورد.

با این همه، خلأ یک سیاست‌گذاری یکپارچه و منسجم احساس می‌شود و مهم‌تر اینکه هنوز در آستانه پنجاه‌سالگی نظام اسلامی این فرصت به وجود نیامده است تا از زیر بار سنگین سیاست‌گذاری‌های سخت که غرب، آگاهانه برای ممانعت از میدان‌سپاری به عناصر نرم انقلاب اسلامی، با ایجاد ائتلاف‌های سخت‌محورانه و جنگ‌افروز، در غرب آسیا به وجود آورده است، رهایی یابیم و با چرخش معنادار به سمت سیاست‌گذاری‌های قدرت نرم و پایه‌گذاری تمدن نوین ایرانی - اسلامی حرکت پرشتاب داشته و از پیچ حساس تاریخی به صورت قطعی عبور نماییم.

پیشنهادهای

با در نظر گرفتن این واقعیت که در جهان رقابت‌ها و ایجاد فرصت‌ها قرار داریم و کشورهایی مانند آمریکا، چین و روسیه و کشورهای منطقه مثل عربستان و ترکیه بر حوزه تمدنی و فرهنگی ایران تأثیر می‌گذارند، همچنین، با وجود اینکه ایران در این



حوزه ظرفیت تمدنی - فرهنگی بی‌نظیری دارد و با توجه به ظرفیتی که انقلاب اسلامی ایجاد نموده است سیاست‌گذاری‌ها جوابگوی نیاز و تهدید نیست. بر این اساس، مواردی به‌عنوان پیشنهاد مطرح می‌شود:

- سیاست‌گذاری قدرت نرم با لحاظ ظرفیت‌های زبان فارسی و با هدف توسعه و گسترش زبان فارسی در حوزه تمدنی ایران موجب تسری مؤلفه‌های قدرت نرم نظام اسلامی می‌شود؛ زیرا زبان فارسی بستر ساز همدلی و همراهی ملت‌ها و بازآفریننده هویت مشترک است. نظام معنایی ایرانی که به بازتولید هویت مشترک منطقه‌ای می‌انجامد باید در دستور کار اصلی سیاست‌گذاران قرار گیرد.

- گفتمان نرم می‌تواند صنعت‌ساز باشد؛ صنایعی مانند صنعت چاپ، صنعت تولیدات هنری از قبیل فیلم و سریال و غیره که زبان در آن نقش اساسی دارد، در صدر برنامه‌های تبادل فرهنگی قرار گیرد.

- تقویت برنامه‌های آموزشی زبان فارسی در مؤسسات آموزشی محلی در حوزه ایران فرهنگی؛ از این نظر میزان فعالیت ما با دیگران به‌هیچ‌وجه قابل‌مقایسه نیست و کفایت نمی‌کند. پیگیری برنامه‌های آموزشی زبان فارسی به‌عنوان یک سیاست جدی و دامن‌دار می‌تواند تاحدی کمبودهای نظام مدارس مدون را جبران نماید.

- استفاده از فناوری‌های نوین؛ کشورها برنامه‌ریزی نموده‌اند تا فاصله‌های خود در حوزه‌های مختلف علم و فناوری را با تسلط بر فناوری‌های نوین کمتر کنند. برای جامعه نخبگی ایران نیز این فرصت وجود دارد تا به فناوری‌های نوین مسلط شود و فاصله علمی خود با کشورهای مطرح را کمتر نماید.

- استفاده از رسانه و تأسیس یک خبرگزاری ویژند (برند)؛ مدیریت افکار عمومی منطقه و تاحد قابل‌توجهی داخل کشور به‌دست خبرگزاری‌های بیگانه است. از این نظر، خلأ یک خبرگزاری مطرح به‌شدت احساس می‌شود.

- حمایت از جامعه علمی و دانشگاه‌های شاخص و ارائه بورسیه تحصیلی به دانشجویان خارج از کشور؛ با ارائه بورسیه تحصیلی به دانشجویان خارج از کشور به‌ویژه دانشجویان کشورهای حوزه ایران فرهنگی، زمینه همراهی و ترویج زبان فارسی فراهم‌تر می‌شود.



جدول شماره ۲. نوع سیاست‌گذاری با لحاظ مؤلفه‌های قدرت نرم

مؤلفه‌های قدرت نرم	مزیت‌های ایران	پیشنهادهای سیاست‌گذاری
فرهنگ و تمدن	پیشینه تمدنی چند هزارساله	ترویج صنایع فرهنگی مانند فیلم، سریال و نشر آثار ادبی فارسی برای ارتقای قدرت نرم
	میراث فرهنگی غنی	برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی فرهنگی هنری
زبان و ادبیات فارسی	گستره تاریخی و جغرافیایی زبان فارسی	تقویت برنامه‌های آموزشی زبان فارسی در کشورهای حوزه ایران فرهنگی
	سهولت یادگیری زبان فارسی	تولید محتوای آموزشی دیجیتال و استفاده از فناوری‌های نوین برای گسترش زبان فارسی
دیپلماسی عمومی	موقعیت فرهنگی ایران در جهان اسلام	توسعه دیپلماسی فرهنگی و ارائه بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان کشورهای منطقه
	انقلاب اسلامی و ماهیت فرهنگی آن	ترویج تعاملات علمی و تبادل استاد و دانشجو
رسانه و ارتباطات	نیاز به مدیریت افکار عمومی منطقه	تأسیس خبرگزاری بین‌المللی فارسی‌زبان با هدف مدیریت افکار عمومی
	خلأ رسانه‌های قدرتمند	تولید محتوای چندرسانه‌ای جذاب برای ارتقای تصویر ایران در منطقه
فناوری و نوآوری	پتانسیل بالای نخبگان ایرانی در حوزه فناوری	ایجاد پلتفرم‌های آنلاین آموزش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی
	دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتال	تولید نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های زبان‌آموزی
ارزش‌های مشترک و معنوی	میراث عرفان و ادبیات اخلاق‌گرا	بازافرینی مفاهیم اخلاقی و عرفانی زبان فارسی به‌عنوان ارزش‌های مشترک منطقه‌ای
	پیوند تاریخی فرهنگی منطقه	ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی از طریق محتوای فرهنگی

منابع

- آرت، هانا؛ فولادوند، عزت‌الله (۱۴۰۱). / انقلاب. تهران: شرکت سهامی خوارزمی. چاپ پنجم.
- اصفهانیان، داود (۱۳۹۳). تحولات اروپا در عصر رنسانس. تبریز: دانشگاه تبریز. چاپ چهارم.
- برزو، خلیل؛ مطلبی، مسعود؛ بای، عبدالرضا (۱۳۹۹). «فرهنگ و سیاست: بررسی تطبیقی تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی بر قدرت نرم ایران و ترکیه؛ مطالعه موردی صنایع فرهنگی»، فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران. سال سوم. شماره چهارم (پیاپی ۱۲). زمستان: ۶۹۶-۷۱۲.
- حسن بیگی، ابراهیم؛ رئیسی دهکردی، اردشیر (۱۳۹۴). «مقوم‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی با تأکید بر الهام بخشی»، فصلنامه امنیت ملی. سال چهارم. شماره پانزدهم. بهار: ۱۶۴-۱۳۳.



- چامسکی، نوام؛ نوین، آسوده (۱۳۸۷). *هژمونی یا بقا یا تلاش امریکا برای سیطره جهانی*. تهران: اطلاعات.
- خدایار، ابراهیم (۱۳۹۷). «موانع و راهکارهای گسترش خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک»، *فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۲ (پیاپی ۷۴): ۳-۲۱.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۳). «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه قدرت نرم*. سال سوم. شماره نهم. پاییز و زمستان: ۷۹-۹۸.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۷). *تأملی درباره ایران، جلد نخست: دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*. تهران: نشر نگاه معاصر. چاپ هفتم.
- غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۷). *تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- قربی، سید محمدجواد؛ حیدری، منصور (۱۳۹۵). مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان مطالعه ارزش‌های فرهنگی، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات نرم*. سال ششم. شماره پانزدهم. پاییز و زمستان: ۴۶-۶۴.
- قربی، سید محمدجواد؛ حیدری، منصور (۱۳۹۷). «فرهنگ و قدرت نرم: مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی*. سال هفتم. شماره بیست‌وششم. بهار: ۱۵۱-۱۹۵.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ فقیهی، مهدی (۱۳۹۳). *سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی*. تهران: مهکامه.
- متقی زاده، عیسی (۱۴۰۰). *زبان عربی و هویت ایرانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نای، جوزف، اس؛ میرترابی، سعید (۱۳۸۷). *قدرت در عصر اطلاعات از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نای، جوزف، اس؛ روحانی، سید محسن؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۷). *قدرت نرم*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- نای، جوزف، اس؛ حیدری، محمد؛ آرش، فرزاد (۱۳۹۸). *آینده قدرت*. تهران: نشر فرزاد روز. چاپ دوم.
- نوروژی فیروز، رسول؛ جلیلی، محمد (۱۴۰۰). «کاربست قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی با کشورهای رقیب»، *فصلنامه علوم سیاسی*. سال بیست‌وچهارم. شماره ۹۵ پاییز: ۱۶۸-۱۴۰.
- وحید، مجید (۱۴۰۰). *سیاست‌گذاری عمومی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ چهارم. زمستان.
- Aqrash, N. A., & Khayoun, A. H. (2023). "The pillars of soft power", *Russian Law Journal*, vol 11. No 12.: 206-213.
- Baniya, D. B. (2021). "Soft power in the contemporary world: Recommendations to the small states' security". *Unity Journal*. Vol II (February): 54-69.
- Butler-Smith, ALIC. A. (2015). "Iran and strategic power projection: The Iran-Iraq war as a foundation of understanding", *School of Advanced Military Studie States Army Command and General staff College Fort Leavenworth Kansas*: 1-54.
- Martino, DE Mario. (2020). "Soft power: Theoretical framework and political foundations". *Przegląd Europejski*. vol 2020. No 4.: 1-24.
- Gallarotti, G. M. (2022). "Esteem and influence: Soft power in international politics". *Journal of Political Power*. Vol 15. No 3: 383-396.
- Kearn, D. W. Jr. (2011). "The hard truths about soft power". *Journal of Political Power*. Vol 4, No 1: 65-85.
- Sadullayeva, M., & Khikmatov, B. (2024). "Features of the soft power bodies of Uzbekistan". *International Scientific Journal*. Vol 3. No 4: 305-309.
- Sayama, O. (2016). "China's approach to soft power". *RUSI Occasional Paper*. March: 1-15.
- Seymour, M. (2020). "The problem with soft power", *Foreign Policy Research Institute*. 20: 1-5.